

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: Aydin Cubukcu

برگردان از: م. ن.

۱۵ جنوری ۲۰۱۶

## سیاست ویرانگر

(قسمت دوم)

### جنگ و فاشیزم

در عین زمان رؤیا های توسعه طلبانه نیست و نابود شدند. هدف تبدیل شدن به "یکی از قدرت های جهانی" در تقابل با شرایط آشتی ناپذیر واقعی حاکم قرار دارد. گرچه پروپاگند ها و تبلیغات بدون وقفه، ظهور ترکیه را به حیث یک قدرت جهانی، و " رجب طیب اردو خان" را به عنوان رهبر جهان اسلام ستایش می کرد، اما تا حال هیچ کدام به وقوع نپیوست. تحولات قیام های "بهار عربی" به ویژه در تونس، مصر و لیبیا، همچنین شکست اخوان المسلمین، تمام محاسبات "اردو خان" و همراهانش را در هم ریخت. گرچه بعد از آن بعضی تغییرات در موقف دولت ترکیه نمایان شد، اما حزب حاکم (AKP) از هر امکان موجود استفاده می کند، که با مداخلاتش در سوریه، جایگاه قوی و مهمی برای خود در شرق میانه بیابد. برای این منظور پروپاگند های ملی گرائی را بیشتر ساخت، تا از این طریق رضایت یا موافقت مردم کشورش را حاصل کند.

در ترکیه تحولاتی که ، اغلباً در جا هائی که جنگ ها دامن زده یا رهبری می شوند- آماده ساختن اذهان مردم به یک جنگ داخلی- مشاهده می شود. کرکتر/خاصیت این نوع یک رژیم سیاسی بیشتر و بیشتر قیافه فاشیستی را به خود می گیرد. نشانه های قوی وجود دارد، که به خصوص فضای جنگ داخلی عمداً ایجاد می شود. می توان گفت، که [حزب حاکم] با یک سری حملات تحریک آمیز قبل از انتخابات (اول نومبر ۲۰۱۵) شهروندان را در صف خود کشید. مردم باید یا "اعتماد و ثبات" یا "دموکراسی" را انتخاب کنند. نتیجه انتخابات به قیمت [محدودیت] دموکراسی تمام شد.

محدودیت در آزادی تشکلات طبقات تحت ستم و [محدودیت] در آزادی بیان همیشه در ترکیه وجود داشت. اما در حال حاضر بسیار منظم تر و با استفاده از خشونت اتفاق می افتد. با استدلال کشنده "حفظ امنیت عمومی" قوانین جدیدی تصویب شدند، قدرت پولیس گسترش داده شد (حق استفاده از سلاح گرم در نظاهارات مسالمت آمیز) و آزادی تجمع محدود شد. نظم و انضباط ایدئولوژیک تمام جامعه و فشار بالای زنان و جوانان را – مطابق الزامات مذهبی باید رفتار کنند- طور قابل توجهی افزایش داد.

در مناطق کُرد نشین تحت شعار "دولت محلی خودمختار" یک حرکت جریان پیدا کرد، که شهرستان های منطقه را در بر گرفت. حکومت با عملیات نظامی ویرانگر به آن پاسخ داد. در حال حاضر در (دیار بکیر) جنگ جریاد دارد، گشت های نظامی در خیابان ها با تانک، تمام محله ها زیر آتش توپخانه قرار دارند. امیدی که، مسأله کُرد ها را می توان از راه مذاکره حل کرد، رو به کاهش بیشتر است. در حالی که حکومت "اشخاص جدید برای مذاکره" را با آنها تعیین می کند، جنبش کُرد ها اهداف بالا تر جدیدی را مطرح می کنند. به طور مثال نوعی از "خودمختاری".

## حقوق و مبارزات کارگران

رفتار بیروکراسی [اتحادیه های کارگری] همچنان تغییرات در قانون جهت مشکل ساختن شرایط کاری، طبقه کارگر را مجبور به حمل بار های سنگین تری ساخت. در عین زمان همین عامل، مبارزات قوی تری را باعث گردید. کارگران شرکت های بزرگ فلز- و موترسازی همه درین قیام سهم گرفتند. بسیاری درگیری ها موفقانه انجام داده شد.

گرچه این کارگران مبارزات خود را تنها بالای مسائل اقتصادی و اتحادیه های کارگری متمرکز ساختند، اما تأثیرات آن خیلی فراتر از آن بود. بخشهای دیگری از آن الهام گرفتند و بالای اقشار دیگر جامعه نیز تأثیرگذار بود.

در واقعیت امر، طبقه کارگر دارای امکانات قوی مبارزه علیه حاکمان می باشند، زیرا که اینها قدرت تولید کننده اند. این یگانه طبقه ایست- که ابزار لازم در دست دارد- که نه تنها خواسته های خاص خود را برابر کارفرمایان می تواند موفقانه به پیش ببرد، بلکه می تواند، قدرت سیاسی آنها را به خطر مواجه کند. این توانایی بالقوه / ظرفیتی را به آنها [کارگران] اعطاء می کند، که اقشار و طبقات دیگر جامعه را نیز بسیج سازد. زیرا خواسته های اقتصادی و دموکراتیک این طبقه می تواند، خواسته های گروه های اجتماعی دیگر نیز باشد.

متأسفانه طبقه کارگر ترکیه نتوانسه، از این توانایی یا نفوذش در "میدان بازی" استفاده کند، و جایگاهی در میان جنبش های اجتماعی برای خود بیابد. کارگران، به ویژه جوانان آگاه به صورت انفرادی، گروه های مخالف دولت را کمک می کنند، اما سهم گرفتن در مبارزات سیاسی به حیث طبقه سازمان یافته هنوز خیلی ضعیف است و در مراحل ابتدائی آن قرار دارد.

این حالت دو عامل دارد. اول، اکثریت بزرگ اتحادیه های کارگری- به حیث سازمان طبقه کارگر- تحولات خارج از دایره مسؤولیت های شان را با بی علاقهگی خاصی تعقیب می کنند و در مبارزات دموکراتیک سهم نمی گیرند.

اینها آگاهانه سیاستی را دنبال می کنند، که تمرکزش بر آن است، تا مشکلات عمومی را با مشکلات خاص طبقه کارگر ربط ندهند.

همچنان حمایت و اقدامات همبستگی داخل طبقه خودش تکه تکه، یا محدود فقط به یک بخش است. مسأله کُرد ها یکی از مشکلات بزرگ کشور، که از سی سال به این طرف باعث جنگ دوامدار است، برای بسیاری از اتحادیه های کارگری به کلی تابو/ و ممنوع است. حتی بعضی ها آن را، یک مشکل منحصر به تروریسم و یا جدائی طلبان می نگرند. همچنان در سیاست روزمره، رهبران اتحادیه کارگران رفتار غیر این را ندارند. برای این که کارگران را از این مسائل به دور نگهدارند، از هر امکانی استفاده می کنند، تا در مسائلی که مستقیماً به کارگران مربوط است، با حکومت و سازمان های بورژوازی به یک تفاهم برسند.

این یک امر آشکار است، که هر دو عامل رابطه مستقیم به همدیگر دارد. دور نگهداشتن کارگران از سیاست. این [عامل] در عین زمان، امکانات و سهولت هائی برای انجام وظایف مربوط به خود را فراهم می سازد.

رهبران (کنفدراسیون اتحادیه های کارگران انقلابی- DISK) متوجه این کمبود و کاستی شدند، و جهت اشتراک در "تظاهرات صلح" سال های گذشته کارگران را فرا خواندند. که به تعداد کثیری از اعضای شان در آن سهم گرفتند. ادغام، در پی حمله در انقره و اعتراضات صلح ادامه یافت. در آماده ساختن یک اعتصاب دو روزه و یک تجمع عزاداری سه روزه (کنفدراسیون اتحادیه های کارگران انقلابی) یک جایگاه برجسته داشت.

اما در کُل، نقش سازمان یافته کارگران را در جنبش دموکراسی و صلح، باید ناکافی ارزیابی کرد. این یک امر آشکار است، که این ضعف ها و کاستی های جنبش های صلح نمی توانند جبران شوند، اگر قوی ترین و مؤثرترین نیرو یعنی طبقه (کارگر) نقش "حامل" آن را نداشته باشد.

جنگ در سوریه ظرفیت و توانایی بالقوه درگیری را بین کشور های امپریالیستی از دیاد بخشید. ترکیه - نه فقط از نگاه جغرافیائی، بلکه از نگاه سیاسی نیز - در مرکز این بحران قرار دارد. در یک وضعیتی که همه مشکلات به یک دیگر در ارتباط اند و این که - هر اقدام برای حل آن، می تواند، به یک بُن بست منجر شود- نیز به یک دیگر بستگی دارد.

[در چنین حالتی] طبقه کارگر امکانات زیادی در اختیار دارد، تا در خط مقدم مبارزات صلح قرار گیرد.

وظیفه اصلی و عاجل، سازماندهی یک جنبش بزرگ دموکراتیک شهروندان علیه جنگ و فاشیسم است.

در گام اول، وحدت بین خود جنبش های کارگریست. سپس باید یک جنبش سیاسی از جناح های مخالف دولت/اوپوزیسیون سازماندهی شود، تا بتواند، جنبش طبقه کارگر را با نیرو های دیگر جامعه، با مردمان تحت ستم، و با اقلیت های مذهبی تحت ستم متحد سازد.

لینک مقاله به زبان المانی:

<http://www.jungewelt.de>

[,Ausgabe vom 08.01.2016](#)

Seite 12 / Thema